



مانیفست در عرصه حسابداری

غلامحسین دوانی



امروز که «جامعه حسابداران رسمی ایران» باید به مثابه کل واحدی تجلیگاه بهترین اندیشه‌های ناب حسابداری باشد، اختلاف نظر، تشتت آرا و تعدد جریانهای فکری در این جامعه بیش از هر زمان رخ نموده است.

تفاوت دیدگاه، تقابل آرا و کثرت نظرات گرچه ممکن است زمینه را برای وفاق و همکاری گروهی فراهم کند اما اگر ریشه در عملگرایی و تفکر انتزاعی داشته باشد آن گاه واقعینی و درست اندیشی راه گم می کند و کمبودها، ضعفها، فرصتها و تواناییها به درستی شناخته نمی شوند و برخورد سطحی، ساده اندیشی، خودباوری، سرمستی کاذب و یا ناامیدی افراطی حاکم می شود.

نمی توان نسبت به مسائلی که در اثر این بحران بروز کرده بی اعتنا بود. هیچ چیز مضرتر و ضداصولی تر از کوششی نیست که از طریق عبارت پردازی برای رها ساختن گریبان خود از این مسائل می شود. برای دفاع از اصول و مبانی اساسنامه جامعه حسابداران رسمی و قواعد اساسی آن، هیچ چیز مهمتر از وحدت نظر و عمل بین کلیه حسابدارانی که به عمق بحران و لزوم یافتن راهکار برای آن آگاهند نیست.

واقعیت نشان می دهد که بحران فعلی که از جنبه ای بیان کننده تفاوت شدید آراء و نظریات حرفه ای-اجتماعی جامعه حسابداری از یک سو و وجود گرایشهای خود محور از سوی دیگر است، تمرکز خود را از لحاظ برنامه ای بر حول مسئله کلیدی «اساسنامه» و ساخت تشکیلاتی جامعه قرار داده است. درک از محیط اجتماعی که در آن به سر می بریم و حرکت و روند آینده حلقه کلیدی است که در پرتو شناخت علمی از آن می توان به بحران فعلی پاسخی

در خورداد.

اگرچه در دو سال اخیر نقد و انتقاد چه در قالب اصولی و چه متاسفانه در چارچوب کارکرد غیر حرفه ای شدت گرفته اما در مجموع جامعه نسبت به گذشته حرکتی رو به پیشرفت داشته است. با این حال، هنوز به خاطر آنکه تمامی واقعیت و عمق بحران را درک نکرده ایم و فقط بخشی از آن را بیان می کنیم، طبیعتاً قادر به ارائه راه حل علمی برای برون رفت از تنگنای موجود نیستیم.

آیا این اختلافات فقط از طریق «نقد و انتقاد» برطرف می شود؟ به دیده مانه! اگر به فرض وجود، اختلاف نظر در جامعه را صرفاً به نبود توافق درباره سازوکارهای جامعه نسبت دهیم پس چرا حتی در بین کسانی که ظاهراً روی سازوکارهای جامعه توافق دارند، تفاوت نظر در مباحث اساسی همچنان باقی است و اگر صرفاً از طریق نقد آراء و تقابل نظریات می شد تشتت آرا را از بین برد، پس چگونه

حسابرسان به عنوان مسئله مبرم روز مطرح شده ولی متأسفانه در هیچکدام از این موارد نیز خود حسابداران و حسابرسان رهبری را به دست نداشته‌اند.

ما قادر نخواهیم بود جامعه خود را متحول سازیم، جز از این طریق که در جهت نفی مشی و روشهایی که حرفه راناتوان معرفی کرده حرکت نماییم. راه حل این نیست که نقطه نظرات سنتی را به کناری افکنیم و به سادگی آن را مردود بشناسیم؛ چرا که فقط با مردود

تاکون جامعه حسابداری چنین دستاوردی نداشته است؟ تنها راه حل اصولی، حرفه‌ای و علمی در چنین وضعیتی نقد و مجادله حرفه‌ای بر روی مشی و برنامه است که میثاق جمعی حسابداران (اساسنامه) از درون چنین پروسه‌ای بیرون خواهد آمد! و صد البته در شرایط طبیعی و متعارف جایگاه این مجادله حرفه‌ای باید نشریات حرفه‌ای همچون **حسابدار** و **حسابرس و حسابدار رسمی** باشد.

واقعیت این است که عملگرایی حاکم بر تفکر نظریه پردازان فعلی (که خود محصولی از نظریه پردازیهای عامیانه است) ما را بر آن می‌دارد تا، یا در زنجیره به هم پیوسته روابط علت و معلولی به پیش نرویم و یا، آن را تاریشه دنبال نکنیم. عملگرایی یکی از خصوصیات عمده تفکرات سنتی است که از بینش غیر حرفه‌ای سرچشمه می‌گیرد؛ زمانی که جامعه‌ای قادر نیست انحرافات گذشته و حال خود را واقعاً ریشه‌یابی کند.

متأسفانه متدولوژی غالب بر جامعه حسابداران رسمی ایران دچار انحرافات اساسی است که نه تنها از متدولوژی علمی حسابداری

تنها مسیری که ما را به تدوین برنامه‌های پیشبرنده هدایت می‌کند برخورد حرفه‌ای - علمی به قضایای درون و برون جامعه حسابداری است

شناختن، از میدان به در نمی‌رود. نفی ما، نه نفی انکارگرایانه، نه نفی در ذهن بلکه باید نفی در عین باشد. جامعه حسابداری و به ویژه اعضای شورای عالی (بر اساس رسالتی که برعهده دارند) باید خود را متحول سازند و آن هم در چارچوب تحول متدولوژیک در فرایند این بستر و به استناد ساختار تئوری حسابداری؛ در غیر این صورت تمام راههای دیگر نه راه، بلکه بیراهه است.

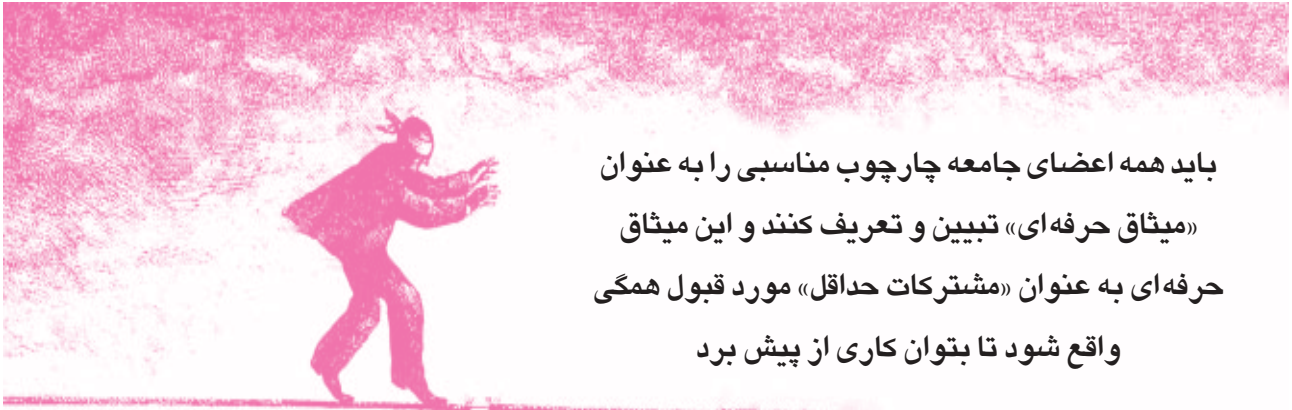
نقطه انحراف آغازین تفکرات بسیاری دوستان در جامعه حسابداری این بوده که روش **منطقی - قیاسی** را در تبیین اساسنامه حاکم کردند. این روش همان نقشی را در زندگی دارد که خط مماس در مقایسه با منحنی دارد. انتظار ما این است که قیاس (که عمدتاً فعالیت ذهنی است) در مطالعه خود ذهن (یعنی در روانشناسی) و در مطالعه رفتاری که در آنها تفکر، شرط پیشین عمل است، مثلاً در اقتصاد و سیاست، موفق باشد؛ ولی عکس این امر صادق است: معلوم شده است که در روانشناسی و علوم اجتماعی، قیاس، راهنمای ضعیفی است، در صورتی که در مطالعه و بررسی بر روی امور لایعقل (مثل مواد معدنی، اجسام فضایی، و ملکولها)، قیاس ریاضی، که از مشاهده کمک گرفته باشد، موفق می‌شود. آیا این نمی‌رساند که قیاس فعالیت است که تابع خواص موجودات بیجان است، خواصی که از کیفیات موجود زنده نیستند، در حالی که جامعه حسابداران و ماموریت حسابداران رسمی پدیده‌های زنده و تاثیرگذار هستند؟



فاصله داشته بلکه فراتر از این، بیشتر به روشهای عامیانه نزدیک بوده تا به روشهای علمی و این نه سخنی گزاف بلکه توضیح علمی واقعیت موجود است. از سوی دیگر توضیح کاملتر این مطلب بدون توجه به بحران جهانی که در حرفه حسابداری روی داده و رابطه معینی که میان این دو وجود دارد نمی‌تواند صورت پذیرد. و این نیز به دو دلیل زیر متکی است:

• اول آنکه حرفه حسابرسی در جهان در حال از سرگذراندن بحرانهای ناشی از جدایی استانداردهای بین‌المللی، امریکایی و انگلیسی، رویدادهای ثقل و فریب از نوع شرکتهای انرون و ورلداکام، و همچنین برجسته شدن موضوع **نظام راهبری بنگاه** (Corporate governance) است؛

• دوم آنکه روندهای اساسی موجود (در چندسال اخیر) در سطح جهان و ایران نشان می‌دهد که مسئله خطیر مسئولیتهای اجتماعی



باید همه اعضای جامعه چارچوب مناسبی را به عنوان «میثاق حرفه‌ای» تبیین و تعریف کنند و این میثاق حرفه‌ای به عنوان «مشترکات حداقل» مورد قبول همگی واقع شود تا بتوان کاری از پیش برد

شرایط و رفتار حرفه‌ای مناسب است. بدون کنار گذاشتن دیدگاهها و نظرگاههایی که ریشه در عوام‌گرایی دارد تا منطق علمی، قادر به تدوین اساسنامه و به تبع آن مادیت بخشیدن به رهبری جامعه حسابداران در راستای وظایف خود نخواهیم بود و تنها مسیری که ما را به تدوین برنامه‌های پیشبرنده هدایت می‌کند برخورد حرفه‌ای-علمی به قضایای درون و برون جامعه حسابداری است.

با چنین درک و رسالتی است که وظیفه شورای عالی جدید جامعه حسابداران رسمی، مسئولان و اعضای ارکان آن و به ویژه اعضای که اعتقاد به توسعه و اعتدالی حرفه دارند دو صدچندان مهم، بزرگ و اجتماعی است. لذا برای انجام چنین امر مهمی باید همه اعضای جامعه چارچوب مناسبی را به عنوان «میثاق حرفه‌ای» تبیین و تعریف کنند و این میثاق حرفه‌ای به عنوان «مشترکات حداقل» مورد قبول همگی واقع شود تا بتوان کاری از پیش برد.

چگونگی تکامل و کلاً سیر تسلسلی تکاملی جوامع بشری نشان می‌دهد که هستی را می‌بایست بدان صورتی توضیح داد که واقعاً هست و بدان طریق تغییر داد که قوانین تغییر و تکامل آن حکم می‌کند و بدون شک چنین حرکتی در جامعه حسابداران رسمی ایران نیز جز از طریق اتکاب بر بینش و دانش تئوری حسابداری و به طریق اولی دانایی بر فلسفه شناخت اقتصادی امکانپذیر نیست.

با نگاهی به سیمای کنونی جامعه حسابداری ایران نمودهای واقعی یک بحران علمی-حرفه‌ای فراگیر را باز خواهیم یافت. تشتت عمیق نظرگاههای حرفه‌ای، عقب ماندن از تبیین رفتار حسابداری در نظام اقتصادی کشور، نبود راهبران حرفه‌ای در جامعه، که همه گروه‌های موجود در جامعه در مقابل جایگاه حرفه‌ای این رهبران وحدت نظر داشته باشند (مشابه شادروان سجادی نژاد، مرحوم عرفانی و...)، همگی مؤید و نشانه‌های شکنندگی و بحران است. اکنون جامعه حسابداری ایران فاقد تاکتیک و استراتژی معین و منطبق با ویژگیهای عصر جدید است و بالطبع فاقد اساسنامه واجد



کسب حسن شهرت به عنوان کارفرمای خوب

امروزه کشف و بهره‌گیری از استعدادهای درون سازمانی، در مقایسه با بکارگیری نیروهای برون سازمانی، ریسک و هزینه کمتری را متوجه سازمان مربوط می‌کند. اما برای انتصاب برخی شغل‌ها، انتخاب منابع انسانی بیرون از سازمان، امری گریزناپذیر است. بیشتر واحدهای تجاری برای برقراری ارتباط و گزینش منابع انسانی مورد نیاز خود، از شیوه‌های خشک سنتی، استفاده می‌کنند. این شیوه‌ها عبارتند از: فرایند ارزیابی صلاحیت افراد با استفاده از روشهای مصاحبه، ارائه مطلب آزمون تواناییها و حذف متقاضیان نامناسب با استفاده از شبیه‌سازی رایانه‌ای موقعیتهای شغلی مربوط.

اما کمتر واحد تجاری را می‌توان یافت که به جای بکارگیری روشهای پیشگفته با ارائه یک نماد برونی جذاب و کسب حسن شهرت به عنوان کارفرما برای جذب متقاضیان دارای شرایط اقدام کند. پژوهشهای انجام شده در این رابطه نشان می‌دهد فرد متقاضی که کارفرمای احتمالی برخورد مناسبی با او داشته است، تجربه مثبت خود را حداقل بطور میانگین به یک نفر دیگر نیز منتقل می‌کند. اما متقاضی دیگری که واحد تجاری مربوط با ارسال دیر هنگام پاسخ منفی آنهم بدون ذکر دلایل عدم پذیرش، رفتار نامناسبی با او کرده است، این تجربه منفی را دست کم با یازده نفر دیگر در میان می‌گذارد.

بنابراین برخورد محترمانه و مناسب با متقاضیان ناموفق، نه تنها رعایت آداب معاشرت بشمار می‌رود بلکه از الزامات فعالیت در محیط اقتصادی امروز است.